

اعتماد مردم به رسانه‌ها را می‌توان از این مسئله فهمید که وقتی روزنامه‌نگاران در مجلس ششم از تهران یک لیست دادند، هر 30 نفر آنها از سوی مردم رای آورد.

دوران اصلاحات بهار مطبوعات ایران بود



به گزارش اسپادانا، مدیر مسئولی روزنامه‌های جامعه و نوسازی در روزهای پس از دوم خرداد برای توصیف فضای دولت اصلاحات در آن سال‌ها کفایت می‌کند. سراغ حمیدرضا جلایی‌پور رفتیم که اکنون پس از سال‌ها گاهی کار رسانه‌ای می‌کند و بیشتر به تدریس در فضای دانشگاه مشغول است، دانشگاهی که با طنز تلخ او در دوره اصلاحات زنده شده بود اما در دوره احمدی‌نژاد به دبیرستان و بعد پادگان تبدیل شد. او همچنان پس از گذراندن فراز و نشیب‌های یک اصلاح‌طلب، منتقد باقی مانده است و سخت اعتقاد دارد دوم خرداد روز بزرگی است که همیشه در تاریخ ایران خواهد ماند. می‌گوید مطالبه توسعه سیاسی از سال ۷۶ سخنگوی خود را که رئیس دولت اصلاحات بود، پیدا کرد.

موافقید مصاحبه را از شکل‌گیری جریان دوم خرداد شروع کنیم و اینکه تعبیر شما از این روز چیست؟ اگر به تعبیر مذهبی بگوییم؛ دوم خرداد از یوم‌های جمهوری اسلامی ایران است. اما اگر بخواهیم سیاسی بررسی کنیم، دوم خرداد در واقع جزو روزهای آغاز گشایش سیاسی در ایران است؛ درست مثل پس از پیروزی انقلاب مشروطه، یا حتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی. در نیمه دوم قرن نوزده مطالباتی شکل گرفت که بر اساس آن کشور را باید خوب و بر اساس قانون اداره کرد. بر اساس این مطالبه، کشور باید طبق احترام به مردم اداره می‌شد. این خواسته در قرن بیستم به لحاظ اجتماعی به اوج خود رسید. به گونه‌ای که می‌توان گفت همانند ملی شدن صنعت نفت و پیروزی انقلاب اسلامی، دوم خرداد نیز از مطالبات مردم بود.

دوم خرداد آغاز روزی بود که بعد از آن به مدت هشت سال کشور ایران از لحاظ سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و بین‌المللی به بهترین نحو اداره شد و علیرغم تمام چالش‌هایی که در آن روزها وجود داشت اما ما مجلسی زنده داشتیم. در مجلس ششم انتقاد صورت می‌گرفت ولی در مقایسه با دولت بعد مفاسد بسیار کمتر بود.

در یادآوری آن روزها چه فضایی بیشتر به ذهنتان متبادر می‌شود؟ دوم خرداد روز بزرگی است که همیشه در تاریخ ایران خواهد ماند. به خاطر دارم حیاط خانه پدر من که پدر سه شهید نیز بود در سال ۷۶ ستاد انتخاباتی اصلاح‌طلبان بود. در این ستاد که مردم دسته دسته برای دریافت تراکت‌های تبلیغاتی پیش ما می‌آمدند و بدون چشمداشت آنها را در سطح شهر توزیع می‌کردند. هیچ کس برای این کار درخواست پول نمی‌کرد. تراکت‌های تبلیغاتی اصلاح‌طلبان را کارآمدترین جوانان و نیروهای برجسته دانشگاهی پخش می‌کردند. این برای ما حرکت غیرمنتظره‌ای بود. در حالی که همه گمان می‌کردند ناطق در انتخابات دوم خرداد ۷۶ رای می‌آورد اما مردم دسته دسته برای پیوستن به ستادهای اصلاح‌طلبان مراجعه می‌کردند.

کسی فکر نمی‌کرد این فضا ایجاد شود؛ حتی خود اصلاح‌طلبان هم به شهادت مصاحبه‌های باقی‌مانده از آن موقع یا دوره‌های بعد، خیلی امید نداشتند. در چنین فضایی دلیل اقبال مردم به اصلاحات چه بود؟

در دوره آیت‌الله هاشمی توسعه اقتصادی شکل گرفت و مردم از کمبودهای دوره جنگ فاصله گرفتند. بنابراین در سال ۷۶ آگاهی مردم بالا رفته بود و بر همین اساس انتخاب کاندیدای اصلاح‌طلبان از ناحیه آحاد مردم بود. سال ۷۶ برای ما غیرمنتظره بود. البته یک احساسی داشتیم و می‌دانستیم ممکن است کاندیدای اصلاح‌طلبان پیروز انتخابات باشد اما فکر نمی‌کردیم این اتفاق با اختلاف ۱۳ میلیون رای بیافتد. وقتی خبر پیروزی کاندیدای اصلاح‌طلبان در انتخابات رسماً اعلام شد، من در همان خانه پدری بودم و شاید به جرات بتوانم بگویم بیشترین پرشی که در طول عمرم داشتم را کردم. در آستانه دوم خرداد ۷۶ آیت‌الله هاشمی به عنوان رئیس‌جمهور گفت به هیچ عنوان اجازه تقلب را نمی‌دهم. در ابتدا ما دیدگاه خوبی نسبت به این مسئله نداشتیم اما بعد فهمیدیم وعده آیت‌الله هاشمی چقدر کارساز بود.

نقش مردم در این فضا را بیشتر توضیح می‌دهید؟

به طور کلی انقلاب اسلامی ما یک حرکت مردمی بود. امروز صحبت‌های مختلفی در مورد آن می‌شود که گویی انقلاب شده تا یکسری تندرو در کشور حاکم شوند، اما در مردمی بودن انقلاب اسلامی و اینکه همه اقشار مردم را در برمی‌گرفت، شکي وجود ندارد. انقلاب اسلامی خواست آن روز مردم بود اما سال ۷۶ مردم می‌گفتند ما می‌خواهیم کشور را هر چه زودتر درست کنیم، بنابراین مطالبه آنها توسعه سریع بود. در اکثر موارد مردم در انقلاب‌ها با عصبانیت عمل می‌کنند اما هدف اصلی هر انقلاب، خواست سریع برای توسعه است. معنای توسعه این است که زندگی اکثریت از لحاظ کمی و کیفی ارتقا پیدا کند. وقتی انقلاب اسلامی پیروز شد، همه دل‌ها شاد شد اما مدتی نگذشته بود که ما وارد یک جنگ ناخواسته شدیم که در آن دوران شاهد اوج فداکاری‌ها بودیم. همه تلاش کردند کشور را حفظ کنند. در آن زمان کسی به فکر دیگری جز حفظ کشور نبود و ایران در رقابت با دنیا که پشت صدام حسین بود، ایستاد.

بعد از جنگ در دوره آیت‌الله هاشمی بیشتر خواسته‌های مردم در بعد اقتصادی متبلور شد. برای همین آیت‌الله هاشمی به همه نیروهای کابینه با این جمله دستور داد که «شما کار اقتصادی کنید. من به اندازه همه شما سیاسی هستم». در دوران اصلاحات، وعده توسعه سیاسی داده شد. شعارهای انقلاب نشان می‌دهد مطالبه توسعه سیاسی از ابتدای انقلاب مطرح بوده اما از سال ۷۶ این مطالبه سخنگوی خود را که رئیس دولت اصلاحات بود پیدا کرد. آیت‌الله هاشمی در سال ۷۶ به عنوان رئیس‌جمهور انتخابات سالمی را برگزار کرد. البته در برخی استان‌ها تقلب‌هایی از سوی اطرافیان امروز احمدی‌نژاد صورت گرفت، به گونه‌ای که به خوبی به خاطر دارم در یک استان تعداد آرای آقای ناطق نوری از تعداد جمعیت آن استان بیشتر بود اما با این حال این اقدامات نیز راه به جایی نبرد.

توسعه اقتصادی شکل گرفته در دوره آیت‌الله هاشمی باعث شد مطالبات مردم به شکل کیفی‌تری در سال ۷۶ مطرح شود. سال ۷۶ کاندیدای اصلاح‌طلبان صحبت‌های خوبی مطرح کرد که حساسی به دل مردم نشست، اگر او امروز شخصیت محبوب مردم است برای همین است. اگرچه ایشان شعار توسعه سیاسی داد، اما توانست در دوران خود اقتصاد را به خوبی اداره کند. به گونه‌ای که امروز در بسیاری از موارد اقتصاد دوره اصلاحات مثال‌زدنی است.

هر زمان مانند دوره احمدی‌نژاد مشارکت در ایران کاهش پیدا کرده، شاهد حضور پررنگ تندروها در عرصه بوده‌ایم. وقتی رئیس‌دولت اصلاحات بر سر کار آمد؛ جنبشی مدنی ایجاد شد و دانشگاه‌ها در آن دوره زنده شدند. البته جنبش‌های دانشجویی داد و بیداد نمی‌کردند و نشست‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی یا علمی در دانشگاه‌های خود برگزار می‌کردند. به خاطر دارم زمان صرف ناهار و فراغت دانشجویان نشست‌های مختلف با استقبال فراوان مواجه می‌شد. متأسفانه احمدی‌نژاد اول دانشگاه را به دبیرستان و بعد به پادگان تبدیل کرد.

اگر قرار باشد از مهمترین مشخصه آن دوران سخن بگوییم باید یادی از رسانه‌ها کنیم. تیراژ روزنامه‌ها به پانصد هزار تا یک میلیون نسخه می‌رسید. خیلی از روزنامه‌ها به چاپ دوم و سوم می‌رفت و از صبح تا ظهر اتفاقی می‌افتاد و تیتراژ چاپ صبح و عصر فرق داشت.

بله، دوران دولت اصلاحات بهار مطبوعات ایران بود. به خاطر دارم معاون سیاسی وزارت کشور در آن موقع با من تماس گرفت و گفت این روزها به هر کسی زنگ می‌زنیم از نخبه تا مردم عادی به خوبی روزنامه می‌خوانند. گویی آب خنک به تشنه‌ها رسیده بود. شاهد بودیم آن زمان مقابل تمام دهکده‌های روزنامه فروشی از ساعت‌های اولیه صبح ترافیک جمعیت برای خرید و مطالعه روزنامه‌ها شکل می‌گرفت.

برای اولین بار در دوره اصلاحات نشریات به اتکای بخش خصوصی شکل گرفت و روزنامه‌های جامعه مدنی در حال بروز و ظهور بودند. مردم آن زمان به خوبی احساس می‌کردند رسانه‌ها اخلاق و صداقت را رعایت می‌کنند. همه اقشار مردم روزنامه‌ها را مطالعه می‌کردند و به خوبی با سردبیرها و حتی مدیران مسئول روزنامه‌ها آشنا بودند. اعتماد مردم به رسانه‌ها را می‌توان از این مسئله فهمید که وقتی روزنامه‌نگاران در مجلس ششم از تهران یک لیست دادند، هر ۳۰ نفر آنها از سوی مردم رای آورد. در دوره اصلاحات رسانه‌ها مردمی شد و دیگر لازم نبود مطبوعات دولتی باشد.

مهاجرانی وزیر وقت ارشاد یک بار مخصوصاً ساعت ۹ صبح به شکل سرزده به دفتر روزنامه جامعه آمد چون فکر می‌کرد دفتر روزنامه جای بزرگی است و می‌خواست خودش با چشم ببیند اما وقتی که به دفتر آمد دید حتی حروفچینی‌های ما که به شکل سری بود، در همان دفتر انجام می‌شد. در دوران اصلاحات ناشران نیز حیات پیدا کردند؛ نشر نی و طرح نو در دوره اصلاحات اوج گرفتند. جامعه مدنی در حال قدرت گرفتن بود و اظهارات شخص رئیس‌جمهور وقت به ادبیات توسعه سیاسی ایران کمک بسزایی کرد.

وزارت اطلاعات در جریان قتل‌های زنجیره‌ای رسماً نامه نوشت و از اینکه تعدادی از نیروهای خودسر در این ماجرا دست داشتند، عذرخواهی کرد و پس از آن وزیر وقت استعفا داد. مجموع این رخدادها در فرهنگ سیاسی مردم اثر گرفت و جامعه

مدنی در ایران شکل گرفت. اگر پشتوانه دولت‌های سازندگی و اصلاحات نبود، در هشت سال دوره احمدی نژاد کشور نابود می‌شد. در دوره قبل از هاشمی، مردم مقاومت را آموختند. دولت هاشمی زیربناها را ساخت و دولت اصلاحات فرهنگ سیاسی و جامعه مدنی ایران را تقویت کرد، اگر نه دوره احمدی نژاد این استعداد را داشت که دستاوردی را از ایران باقی نگذارد.

در دوره احمدی نژاد عمل روشنگرانه روزنامه نگاران و نمایندگان برای تندروها پر هزینه شد و در طی آن نهادهای مدنی و انجمن صنفی روزنامه نگاران تعطیل شد. روزنامه نگاران صدای یک ملت هستند، اما همین قشر در دوره احمدی نژاد بیکار شدند و چه بسیار بودند روزنامه نگارانی که به دلیل محدودیت‌ها مجبور به تغییر شغل شدند. همین مسئله هزینه را برای نظام بالا برد. یکی از کارهای مرتضوی در آن زمان این بود که صد روزنامه را تعطیل کرد. در پی همین اقدامات هزینه مفساد هزار میلیاردی پایین آمد و دروغ گفتن نیز کم هزینه شد. طناب‌های دار اقتصاد ایران که تحریم‌ها بود توسط دولت به کاغذ پاره تعبیر شد. دولت روحانی اگر خیلی هنر داشته باشد می‌تواند در این چهار سال تنها این تحریم‌ها را کنار بزند. من معتقدم اقتصاد ایران هنوز روی پای دوره سازندگی و اصلاحات به حیات خود ادامه می‌دهد اگر چه نسبت به آن روزها ضعیف شده است برای همین سایه تحریم‌ها باید از سر ایران برداشته شود چرا که ادامه تحریم‌ها به معنای جولانگاهی برای تندروها خواهد بود.

یعنی مردم این آمادگی را داشتند که خود را بازسازی کنند؟
خرداد ۹۲ آنچه رخ داد، این بود که جامعه از وضعیت بسته و امنیتی به وضعیت نرمال برسد. تندروها اگر می‌دانستند روحانی پیروز انتخابات خواهد شد، او را همانند هاشمی رد صلاحیت می‌کردند. خیلی از افراد پس از پیروزی روحانی یادشان رفت سال ۹۲ چه اتفاقی افتاد اما به خوبی به یاد داریم سال ۹۲ شناسنامه نظام (آیت الله هاشمی) از دور انتخابات حذف شد اما مردم طی دو تا سه روز جریان مقابل را غافلگیر کرد و توانستیم با ائتلاف روسای دولت‌های اصلاحات و سازندگی و پیروزی روحانی از وضعیت بحرانی آن روزها فاصله بگیریم. کسانی که ما را از وضعیت بحرانی هشت سال پیش نجات دادند، مردم بودند. مردم با کمترین هزینه فرمان را از دست تندروها گرفتند. اگر در دوره آقای هاشمی معیشت مردم بهبود پیدا کرد، در دوره اصلاحات بحث‌ها روی توسعه سیاسی و احترام به مردم و شهروندان متمرکز شد و این مسئله اهمیت پیدا کرد.

تا پیش از این تندروها می‌گفتند جامعه قوی وقتی ایجاد می‌شود که در سطح جامعه رعب و وحشت ایجاد کنیم. در دوره احمدی نژاد به خیال خودشان این فرضیه را پیاده کردند و نه تنها جامعه قوی نشد، بلکه به مجلس هم اجازه ندادند زنده و پویا باشد. متعاقب آن فسادهای سیاسی برای افراد کم هزینه شد. امروز دست روی هر کجا که می‌گذاریم، آثار رانت و باندبازی دولت قبل وجود دارد. متأسفانه بعد از دوره احمدی نژاد پول شرافتمندانه کسب کردن کم ارزش شد و دیگر کسی نمی‌پرسید این پول را از کجا آورده‌اید. این به لحاظ ارزشی در یک جامعه اسلامی فاجعه است.

مفساد هزار میلیاردی در پی قاچاق نفت و تفاوت قیمت دلار ایجاد شد. این عملکرد نه توسط ماموران دوران طاغوت و شاه، بلکه توسط همان نیروهایی که خودشان را متعهد به انقلاب می‌دانند، صورت گرفت. می‌توان به موضوع پول‌های کثیف اشاره کرد. متأسفانه امروز تندروها در کشور ما نه تنها حاشیه‌نشین نیستند بلکه امکانات، سازمان، امنیت و رسانه برای خود دارند. آنها هنوز نتیجه انتخابات سال ۹۲ را نپذیرفته‌اند و معتقدند این نتیجه به آنها تحمیل شده است. برای همین تلاش می‌کنند همواره علیه دولت جوسازی کنند. طبیعی است در این میان سایر وزرا از جمله وزیر کشور نمی‌تواند با آنها مقابله کند.

دولت تا چه اندازه می‌تواند روی وعده‌های خود بایستد؟
به نظر من تنها کسی که در دولت یازدهم روی وعده‌های خود ایستاده و با مقاومت کار می‌کند، خود روحانی است. باید وزرا را تشویق کنیم از رئیس جمهور ایستادگی را بیاموزند. آقای روحانی بسیار نافذ حرف می‌زند و وقتی مورد نقد تندروها قرار می‌گیرد، هیچ‌گاه عقب‌نشینی نکرده و صحبت‌های خود را تغییر نمی‌دهد، البته در این میان انتقادی به وزرا وارد نیست، چراکه موج تبلیغات علیه آنها بسیار گسترده است.

یعنی چون فشار تبلیغات بر وزرا زیاد است، در این شرایط نمی‌توانند کار کنند؟
اول اینکه افراطیون تنها در فضای تحریم‌ها می‌توانند عرض اندام کنند. از سوی دیگر باید به وزرا این توصیه را داشته باشیم که اظهارات تندروها تنها سروصداست و پشت آن عقیده و مکتبی نیست، بلکه در ورای این سر و صداها پلی از منافع آنهاست. تندروهای امروز دیگر مکتبی نیستند. وزرا باید توجه کنند که این سر و صداها آنها را تحت تأثیر قرار ندهد و راه روحانی را ادامه دهند، چراکه مردم به خوبی قدر کسانی را که برایشان فداکاری می‌کنند می‌دانند.

سال‌هاست که افراطیون علیه رئیس دولت اصلاحات هر چه خواستند بر زبان آوردند، اما شخصیت وی محبوب‌تر شده است. اگر آقای هاشمی هم امروز محبوبیت دارد، برای شخصیت او در دوره سازندگی نیست، برای این است که او امروز در سن ۸۰ سالگی همچنان در کنار مردم ایستاده و هر روز به وزن شخصیت سیاسی او اضافه می‌شود، چراکه حرف مردم را می‌زند. تندروها به خوبی می‌دانند که وجدان عمومی اقدام‌های آنها را نمی‌پذیرد. از طرفی این تندروها نمی‌خواهند جامعه زنده و پر قدرت باشد، برای همین دولت پنهان، ابزار اقدامات آنهاست. نباید از این تندروها به عنوان نیروهای خودجوش یاد کرد، چراکه معتقدم آنها برای این کار مأموریت دارند و چه بسا در قبال کارشان مزایایی دریافت می‌کنند.

چگونه؟

با اتفاق‌هایی همچون استخدام‌های بی‌حساب و کتاب در دولت احمدی نژاد در این گزینش‌ها به هیچ عنوان شایسته سالاری حاکم نبود. برای مثال در سال ۸۴ یک کارخانه در اصفهان ۶ هزار کارگر داشت که سال ۹۲ این تعداد به ۲۲ هزار پرسنل رسیده بود. یعنی در حالی که پرسنل سه برابر شده بودند، تولید به یک سوم کاهش پیدا کرد. دولت آن زمان معتقد بود اصفهان منطقه حساسی است و این نیروهای مازاد زمانی برای کنترل این استان مورد استفاده قرار خواهند گرفت. به طور کلی برخلاف آنها که معتقدند در ایران نئولیبرالیسم حاکم شده، من معتقدم یک اقتصاد رانتی سیاه در کشور حاکم شده است.

اکنون هم که تندروها مجدداً فعال شده‌اند. بله، اظهارات تند برخی گروه‌های تندرو که در صورت ورود زنان به ورزشگاه‌ها تهران را به لرزه در می‌آوریم را ببینید. این اظهارات یک شوخی است، چراکه این گروه‌ها بیش از هر چیز نگران نفوذ دولت روحانی هستند. از طرفی نمی‌توانند در مذاکرات هسته‌ای حرفی بزنند، چراکه رهبری، حامی مذاکره کنندگان است. برای همین به این شیوه‌ها روی آوردند، اما باید به جای کنترل مردم ابتدا خود را کنترل کنند.